

باسمه تعالی

- ۱ و فی الجورب إشکال
- ۴ ۱ مسأله إذا سرت النجاسه إلى داخل النعل لا تطهر بالمشی
- ۵ ۲ مسأله فی طهاره ما بین أصابع الرجل إشکال

موضوع: طهارت (مطهریت ارض / مساله ۱ و ۲)

۱ و فی الجورب إشکال

إلا إذا تعارف لبسه بدلا عن النعل

یکی از مطهرات زمین بود که گفتیم کف پا و کف کفش را پاک می‌کند. بعد به مناسبت، سید، فروعی را فرمودند. یکی از این فروع، این هست که اگر انسان پایش جوراب باشد و موقع راه رفتن بر زمین متنجس شود، آیا اگر بر روی زمین [دیگری] راه برود آن جوراب پاک می‌شود یا نه؟

مرحوم سید قدس سره در مساله احتیاط کردند. نه گفته‌اند پاک می‌شود و نه فرموده‌اند که پاک نمی‌شود. منتها سید قدس سره یک صورت را استثناء کرده: اگر جورابی است که متعارف بوده به عنوان کفش پایشان کنند، اشکال ندارد اما اگر به عنوان کفش پایشان نکنند، آن را سید اشکال کرده.

بعضی‌ها مثال زدند برای این جورابهای متعارف در قدیم کف جورابها را چرم می‌کردند و کف جوراب چرمی داشت و باقی هم که پشمی بود. می‌شود فرض کرد این چنین جورابهایی به عنوان یک پوشش پا نباشد و بلکه به عنوان کفشی که پایشان می‌کردند باشد.

چرا مرحوم سید قدس سره اشکال کرده؟

چون آنچه در روایت داریم، رجل و نعل هست. در هیچ کدام از روایات، جورب نیامده. پس احتمال دارد تعبدی باشد که [به خاطر آن] از کفش و پا به جوراب منتقل نشویم.

[اما] برای الحاق جوراب به کفش، دو راه هست. یکی الغاء خصوصیت یکی اطلاق عرفی. و بعید نیست که ما هر دو مورد را بپذیریم و پذیرفتیم در امثال جوراب که در این جور موارد، عرفاً الغای خصوصیت می‌شود و لذا اگر با جوراب بر زمین راه رفتیم و متنجس شد، باز با همان راه رفتن پاک می‌شود یا با مسح کف جوراب بر روی زمین طاهر می‌شود. خصوصاً اینکه تعلیل آمده است و اگر الغاء خصوصیت هم نشود این تعلیل شامل این مورد هم می‌شود.

ویکفی فی حصول الطهاره زوال عین النجاسه - وإن بقي أثرها من اللون والرائحة

می‌فرمایند که اگر با مشی، نجاست و عین آن برطرف شد کفایت می‌کند و بو و رنگ هم باشد مشکلی ندارد و دلیل، اطلاق روایت است که فقط به مشی و مسح کفایت شده است اما آنچه در روایت صحیح زراره داشتیم: «لا یغسلها لا أن یقدرها و لکنه یمسحها حتی یذهب اثرها» فقها این اثر را کنایه از خود نجاست گرفته اند نه رنگ و لون ضمن اینکه در مورد رجل آمده است که رنگ در پا نمی‌ماند و احتمال اینکه مراد ریح باشد این هم بعید است که باید بو کند و اگر بو نداشت طاهر شده باشد.

بل و کذا الأجزاء الصغار التي لا تتميز كما في ماء الاستنجاء بالأحجار لكن الأحوط اعتبار زوالها

گفته شده است که وقتی ما راه می‌رویم اجزاء ریزی که از نجاست در پا و کفش باقی می‌ماند مشکلی ندارد و تمثیل می‌کنند [به] وقتی [که انسان] قضاء حاجت می‌کند [که تاره برای تطهیر] با آب می‌شوید و تاره با سنگ اینکار را می‌کند که در این صورت عادات ذرات ریز باقی ماند [ولی در عین حال] بدن طاهر است [و] مثل حمل نجاست در نماز می‌ماند. دلیل این فقها چه بوده است؟

دلیل فقها به اطلاق اخبار تمسک کرده اند و گفته اند که مقتضای اطلاق روایت این است که چطور با [وجود] ذرات ریز، بدن طاهر است؛ در اینجا هم ذرات بسیار ریز هم مضر نمی‌باشد.

به چه نحو اطلاق می‌باشد؟

یکی این است که ما به اطلاق لفظی تمسک کنیم مقتضای اطلاق لفظی این بود که مشی و مسح کند و پا و کفش طاهر می‌شود اعم از اینکه این اجزاء و ذرات ریز باقی باشد یا زائل شده باشد. این می‌شود اطلاق لفظی.

اشکالی مطرح شده است که این روایتی [که] می گوید در اثر مسح طاهر می شود در مورد قسمتی است که عین زائل می شود و اگر عین زائل نشود اطلاقی ندارد یا لا اقل مجمل است. و اگر به مقدار ذره هم نجس باشد، محلش نجس می باشد. یعنی در ذهن عرف این است که قسمتهایی طاهر می شود که عین از آنجا زائل شده باشد.

(بحث در مورد نجاست و طهارت پا و کفش است نه طهارت و نجاست آن ذرات که نجس می باشند).

اطلاق مقامی به این صورت [است] که: عادتاً در اثر راه رفتن این ذرات از بین نمی رود باید امام بیان می کرد اگر این ذرات مخل به طهارت بود؛ و [چون] امام بیان نکرده اند و در روایات نداریم، لذا این اطلاق مقامی است.

اگر در اطلاق لفظی تشکیک شود اطلاق مقامی تمام است. می توان در اطلاق لفظی تشکیک کرد اگر چه این تشکیک قوی نمی باشد.

اگر بخواهیم تشبیهی کنیم: می بینید که فقها خیلی استعمال می کنند [اصطلاح] «فی نفسه جایز» [را]؛ و این را در جایی می گویند که فعل جایزی لازم فاسدی داشته باشد چرا که اگر بنویسند «جایز»، انسانها متوجه نمی شوند لذا می گویند «فی نفسه جایز» لذا در اینجا هم اگر ذرات ریز، مخل باشد باید امام بیان می کردند و در روایات منعکس می شد.

كما أن الأحوط زوال الأجزاء الأرضية اللاصقة بالنعل والقدم وإن كان لا يبعد طهارتها أيضا.

سید می فرماید که احتیاط مستحب این است که ذرات غبار و خاک که به پا و کفش چسبیده زائل شود و اگر چه بعید نمی باشد که آنها هم طاهر باشد.

در کلام سید دو احتمال است:

احتمال اول: کف پای ما نجس است و وقتی روی زمین طاهر راه می رویم این ذرات خاک به پا می چسبند و بخاطر تلاقی به کف پا با رطوبت مسریه نجس می شود آیا این ذرات باید از بین رود تا پا طاهر شود یا خیر فقط ذراتی که در اول در پا بود از بین رفت کفایت می کند؟ سید می فرماید که این ذرات طاهر است. این یک تفسیر که مرحوم حکیم از این عبارت فهمیده است.

تفسیر و احتمال دوم که تفسیر مرحوم خوئی است: ما قبل از این که در روی زمین راه برویم و [کف پا یا کف کفشان] متنجس شود، کف کفش و پا عادتاً خاکی است؛ [سپس] با همین پا و کفش خالی روی زمینی نجس می رویم آن غبار و خاک و کف پا

می شود متنجس؛ آیا گرد و غبار کف کفش مثل خود کفش است یا خیر؟ یعنی خود خاک و غبار هم مثل کف کفش و پا طاهر می شود یا خیر آنها طاهر نمی شود؟

لذا دو گرد و غبار در میان است: گرد و غبار قبل از تنجس کف کفش و پا و یکی هم گرد و غبار بعد از تنجس کف کفش و پا؛ [و باید دید] کدام مراد است؟

این دو احتمال در عبارت سید است.

یک احتمال سومی هم در کلام سید است و اینکه هر دو گرد و غبار را بگیرد و هر دو طاهر شود.

این احتمال سوم از ماست که هم صورت اول و هم صورت دوم را می گیرد.

یعنی کلام سید این است که کما اینکه کف کفش و پا طاهر می شود خود غبار هم طاهر می شود. اما اینکه کدام غبار مراد سید است چند احتمال است.

ما قائلیم که هر دو صورت را می گیرد چه آن خاک قبل از تنجس کفش و چه غبار بعد از تنجس.

دلیل ما اطلاق مقامی اخبار است اگر اینها نجس بود اینجا باید امام متعرض می شد چرا که وقتی می گوئیم که کف کفش و پا طاهر است یعنی معامله طاهر می کنیم نه اینکه صرف نماز خواندن باشد. حال اگر ذرات خاک نجس است باید این بیان می شد و از اطلاق مقامی می فهمیم که مشکل ندارد. سنگهای ریز و مقداری گل هم اگر بچسبند کفایت می کند.

۱ مسأله إذا سرت النجاسة إلى داخل النعل لا تطهر بالمشي

بل في طهاره باطن جلدها إذا نفذت فيه إشكال وإن قيل بطهارته بالتبع

سید می فرمایند اگر کف کفشمان نجس شد باطن و داخل این نعل هم نجس می شود یعنی کف کفش که ضخامت دارد این نجاست با داخل کف کفش و عمق آن سرایت می کند. آیا این دو طاهر می شوند؟

سید می فرمایند که طاهر نمی شود.

در اخبار آنچه استفاده می شود این است که: آن مقداری که با زمین برخورد دارد طاهر می شود و [در مورد] این دو سطح،

فرض این است که با زمین برخورد نداشته است لذا در مورد این دو رجوع می کنیم به روایات غسل.

۲ مسأله فی طهاره ما بین اصابع الرجل إشکال

سید در مسئله احتیاط کرده است.

[چون] از یک طرف شاید [طهارت ما بین انگشتان] خارج از این روایات باشد از یک طرف شبهه اطلاق مقامی است چرا که بین اصابع به طور متعارف متنجس می شود.

همانطور که نجاست به بین اصابع می رسد خاک هم می گیرد و مشی و مسح صدق می کند مگر زمین سفت باشد.

ما قائلیم که اگر خاک به آنها برسد طاهر می شود اما اگر خاک نرسید و لو عین زائل شده باشد طاهر نمی شود.

دلیل ما خود روایت است که صحیحه زراه است: «رَجُلٌ وَطَأَ عَلٰی عِذْرِهِ فَسَاخَتْ رِجْلُهُ فِيهَا...» یعنی پایش در عذره فرو رفته

است و امام فرمودند که مسح کند، طاهر می شود؛ و این مسح و مشی منصرف است به جایی که به انگشتان، خاک برسد.